

جنگ و درنگ

حسین فصیحی *



* جنگ و درنگ (نقد ادبیات دفاع مقدس)

* کیومرث باغستانی

* انتشارات نماشون، چاپ اول، ۱۳۸۶

وظیفهٔ اخیر به عهده گروهی است که در حین حماسه‌ها و به خصوص پس از پایان مرحله اول و برای برآورده کردن سه هدف فوق‌الذکر بعد از هر حماسه سلاح عوض می‌کنند در حالی که جامعه میل آن دارد که خود را از فضای حوادث گذشته دور سازد. به دلیل اهمیت همین موضوع بود که در همان سال‌های دفاع مقدس نهادها و سازمان‌هایی به صورت متشکل برای ادای چنین مسئولیتی شکل گرفتند تا تجربیات، خاطرات، حقایق و شگفتی‌های دفاع مقدس را به حافظهٔ بلندمدت تاریخ سپرده و آن را از گزند تحریف و فراموشی مصون نگه دارند. در یک بیان اجمالی باید گفت که باید‌ها و واقعیتهای کتب دفاع مقدس در سه بخش کلی کمیت، کیفیت و نحوهٔ عرضه و توزیع این آثار محل بررسی است که در هر سه بخش کاستی‌های جدی قابل مشاهده است که دلیل آن را می‌توان در نبود یک استراتژی جامع دانست که بتواند یک ارزیابی کارشناسی از وضعیت نیاز امروز و فردای جامعه، میزان تقاضای جامعه

میزان ماندگاری حماسه‌ها بر لوح تاریخ و اشاعهٔ فرهنگ آن حماسه‌ها به نسل‌های آتی در گرو تلاشی است که بازماندگان و شاهدان صحنه‌های حوادث آن حماسه‌ها برای ترسیم آن انجام می‌دهند و شرح حماسه‌ها را به زبان قلم برای آیندگان باز می‌گویند. این بازگویی و تشریح حوادث حماسه‌ها در دل خود حداقل سه مزیت شاخص را داراست: اول اینکه نسل‌ها را با حماسه‌ها و حوادث زمانشان به هم پیوند می‌دهد.

دوم از تکرار تجربیات همدیگر بی‌نیاز می‌سازد. و سوم اینکه بار تکلیفی را که از نسل پیش برجا مانده و راهی که هنوز کاملاً طی نشده است را به نسل بعد از آن باز می‌تاباند. مشهور است که می‌گویند هر حماسه از دو جزء یا دو مرحله مهم تشکیل شده است: جزء اول حماسه‌سازی است که در میدان مبارزه حاصل می‌شود. جزء دوم و مهم‌تر پیام‌رسانی حماسه‌هاست که این

را به دست آورده و به تناسب این تقاضا سازمان‌های مربوطه را به برنامه‌ریزی جدی و کاربردی راهنمایی نماید.

اگر فرصت‌ها مجال پرداختن به پدیده‌های مهم و بزرگ را به نویسنده بدهد، نویسنده می‌تواند با انتخاب اجزایی از یک پدیده بزرگ، شاهکاری بزرگ خلق کند و زندگی پیرامون خود را با الهام از پدیده‌های مهم آنچنان ترسیم نماید که حماسه‌ای از کلمات بسازد. در ادبیات نویسنده قادر خواهد بود با استخدام کلمات بیانگر حوادث، رویدادها و احساسات گردد و جان پیام را به مخاطبان با شیوه‌ها و ابزارهای مورد دلخواه انتقال دهد.

از مزیت‌هایی که ادبیات دفاع مقدس می‌تواند در تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی داشته باشد مزیت سندسازی است که امروزه ادبیات علاوه بر جذب مخاطبین خود و اقناع نویسندگان و پر کردن اوقات مخاطب و فعال نمودن زمینه‌های فرهنگی و هنری می‌تواند به عنوان سندی غیرقابل انکار از ادبیات و تاریخ این کشور برای آیندگان باقی بماند.

از راه‌های شناخت کم و کیف ادبیات دفاع مقدس این است که آن را به بوته نقد بسپاریم و برای تحلیل و بررسی دقیق‌تر بهتر است که ابتدا کارنامه هر کتاب و نویسنده را با توجه به شرایطی که در آن به سر می‌برد در حد توانایی و امکاناتی که محیط جغرافیایی و اجتماعی او در اختیارش قرار می‌دهد با دقت مورد ارزیابی قرار دهیم. به سخن دیگر جایگاه این ادبیات در محدوده استان‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و در ادامه روند رو به پیشرفت ادبیات پایداری در سطح کشور و پس از آن جهان، مورد ارزیابی

قرار گیرد. از این رو شایسته است ژانرهای گوناگون ادبیات دفاع مقدس تفکیک شود و هر کدام به صورت مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد.

«جنگ و درنگ» اثری است که بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آن را منتشر کرده و نگاهی به ادبیات دفاع مقدس مازندران در سه حوزه شعر، داستان و خاطره دارد.

این کتاب با هدف شناخت جایگاه ادبیات داستانی دفاع مقدس در مازندران به بررسی سه کتاب به نام‌های بوی باران (مجموعه داستان اثر ذبیح‌الله ذبیحی - نشر ناشون)، من، بابا و یک کماندو (اثر داریوش عابدی - نشر پالیزان) و پری‌رو (رمانی نوشته سیدحسین مرتضوی که نشر پالیزان آن را منتشر کرده) می‌پردازد.

یکی از مواردی که در نقد آثار ادبیات دفاع مقدس استان مازندران وجود دارد این است که در مازندران هنوز کتابی به صورت مستقل در نقد آثار نویسندگان استان منتشر نشده است از همین رو منبع در دسترس نیز برای دستیابی به اثر وجود ندارد از این رو مؤلف این اثر آن است که به کالبدشکافی آثار مطرح شده بپردازد نه به واکاوی خالق آثار.

از این رو تلاش گردیده که آثاری مورد نقد و بررسی قرار گیرد که با اقبال مخاطبان مواجه شده و در جشنواره‌های این حوزه جوایزی به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر آن می‌توانند به عنوان نمونه‌های برتر در حوزه داستان‌نویسی به عنوان الگو به نویسندگان جوان‌تر معرفی شوند.

پی‌نوشت

* معرفی «زن و شعر» و «گلوآه‌های وحی در خمسه خواجه»: حسین فصیحی.